



Enabling and Regularizing Iran's Urban Informal Settlements: A Qualitative Assessment of Activities in Badar Abbas

Pooya Alaedini¹ | Maryam Rasouli²

1. Corresponding author, Professor, Department of Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: palaedini@ut.ac.ir
2. MA in Social Welfare Planning, Department of Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: maryamrasouli.mr78@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 22/02/2026
Received in revised form:
12/07/2026
Accepted: 21/07/2026
Published online 2026/05/30

Keywords:

Informal settlement,
Regularizing, Enabling,
Upgrading,
Regeneration, Bandar Abbas,
Chahestaniha neighborhood

ABSTRACT

Objective: The persistent expansion of urban informal settlements remains a critical challenge in many developing countries. Over recent decades, an international consensus has formed around upgrading such settlements—an approach Iran has adopted and implemented in several cities under labels such as upgrading, regularizing, and regeneration. This paper assesses the achievements and challenges of a series of regularizing and enabling projects formulated under a specific integrated program for the informal settlements of Bandar Abbas.

Method: Field research was conducted in the Chahstaniha neighborhood, where a large part of program activities were concentrated. Data were collected through semi-structured interviews, focus group discussions, and direct observation.

Results: Findings indicate a mixed outcome. Certain projects aligned well with residents' needs and successfully garnered participation and satisfaction. However, several social and environmental initiatives faced significant difficulties, including lack of sustainability and absence of local community engagement. Major overarching concerns included the neglect of necessary institution-building, a lack of integration and synergy among measures, and consistent non-adherence to planned time schedules.

Conclusions: These results mirror those of previous upgrading experiences across Iran, suggesting slow policy learning and limited progress. Persistent issues—such as ongoing institutional fragmentation, insufficient inter-sectoral coordination, and unstable financing—continue to undermine the long-term effectiveness and viability of such upgrading programs.

Cite this article: Alaedini, P., & Rasouli, M. (2026). Enabling and regularizing Iran's urban informal settlements: A qualitative assessment of activities in Bandar Abbas. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 33 (1), 173-192 .
<https://doi.org/10.22059/jsr.2026.411764.2110>



© Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jsr.2026.411764.2110>

توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری ایران: ارزیابی کیفی فعالیت‌ها در بندرعباس

پویا علاءالدینی^۱ | مریم رسولی^۲

۱. نویسنده مسئول: استاد گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: palaedni@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: maryamrasouli.mr78@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱/۲۵ کلیدواژه‌ها: سکونتگاه غیررسمی، سامان‌دهی، توانمندسازی، بهسازی، بازآفرینی، بندرعباس، محله چاهستانی‌ها.	تداوم گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، چالشی عمده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. طی چند دهه گذشته، اجماعی مبتنی بر بهسازی این سکونتگاه‌ها در سطح بین‌المللی حاصل شده است. در ایران نیز این رویکرد مورد پذیرش قرار گرفته و در چندین شهر تحت عناوین بهسازی، سامان‌دهی یا بازآفرینی اجرا شده است. این مقاله به ارزیابی دستاوردها و چالش‌های مجموعه‌ای از پروژه‌های سامان‌دهی و توانمندسازی می‌پردازد که تحت برنامه‌ای خاص و یکپارچه برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس صورت‌بندی شده و به اجرا درآمده است. پژوهش میدانی در محله چاهستانی‌های شهر، که بسیاری از فعالیت‌های سامان‌دهی و توانمندسازی در آن متمرکز شده است، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، تشکیل گروه‌های متمرکز و مشاهده مستقیم صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی از پروژه‌ها با نیازهای ساکنان هم‌سو بوده و مشارکت و رضایت آنان را به دست آورده‌اند. در مقابل، بعضی از پروژه‌های اجتماعی و اقدامات زیست‌محیطی با چالش ناپایداری و فقدان مشارکت جامعه محلی مواجه شده‌اند. افزون بر این، غفلت از نهادسازی مورد نیاز، عدم یکپارچگی و هم‌افزایی تمهیدات و فقدان زمان‌مندی آن‌ها محل انتقاد است. این نتایج مشابه تجارب قبلی بهسازی در کشور و حاکی از یادگیری و پیشرفت بطنی، تداوم چندپارگی و توسعه‌نیافتگی نهادی، هماهنگی ناکافی و تأمین مالی ناپایدار است.

استناد: علاءالدینی، پویا؛ و رسولی، مریم (۱۴۰۵). توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری ایران: ارزیابی کیفی فعالیت‌ها در بندرعباس. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۳ (۱)، ۱۷۳-۱۹۲.

<https://doi.org/10.22059/jsr.2026.411764.2110>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه و بیان مسئله

رشد فزایندهٔ شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه با گسترش اسکان غیررسمی توأم شده است. این سکونتگاه‌ها، که اغلب در پیرامون شهرهای پرجمعیت شکل گرفته‌اند، اکثراً فاقد مالکیت رسمی زمین یا ساختمان، زیرساخت‌های اساسی و خدمات عمومی هستند و ساکنان‌شان در معرض فقر، بیکاری و محرومیت قرار دارند. شکل‌گیری اسکان غیررسمی پیامد سیاست‌های ناکارآمد مسکن، فقر شهری، ضعف برنامه‌ریزی فضایی و ناتوانی بخش عمومی در پاسخ‌گویی به نیازهای گروه‌های کم‌درآمد محسوب می‌شود. طی سه دههٔ اخیر، رویکرد غالب در میان سازمان‌های بین‌المللی بر پذیرش حق ساکنان‌شان برای زندگی در شهر، بهبود وضع‌شان از طریق توسعهٔ فرصت‌ها، امکانات و زیرساخت‌ها و اجرای برنامه‌های فقرزدایی برای آنان تأکید داشته است. همچنین، تجارب جهانی نشان می‌دهد که موفقیت تمهیداتی از این دست مستلزم مشارکت واقعی ساکنان، هماهنگی میان‌بخشی و سیاست‌گذاری محلی منسجم در سکونتگاه‌های غیررسمی است (بنگرید به آبوت^۱، ۲۰۰۲؛ برنامهٔ اسکان بشر ملل متحد^۲، ۲۰۰۳).

در ایران نیز سکونتگاه‌های غیررسمی همگام با توسعهٔ شتابان شهرها، گسترش فزاینده‌ای یافته‌اند. از اوایل دههٔ هشتاد شمسی بدین سو، دولت ایران رویکرد بین‌المللی یادشده را در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی کشور به تدریج پذیرفته و در دستور کار خود گنجانده است. به اجمال، دولت «سند توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی» را در سال ۱۳۸۲ تصویب و متعاقب آن نسبت به تشکیل ستادهای ملی و استانی توانمندسازی، که بعدها به ستادهای بازآفرینی تغییر نام یافتند، در کشور اقدام کرد. همچنین، در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸، مجموعه‌ای از طرح‌های بهسازی با پشتیبانی فنی و اعتبارات بانک جهانی در سکونتگاه‌های غیررسمی پنج شهر مهم کشور به اجرا درآمد تا به تدریج تمهیداتی از این دست به سایر شهرها نیز تعمیم یابد. در مصوبهٔ دیگری از هیأت وزیران در سال ۱۳۹۳، تحت عنوان «سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، سکونتگاه‌های غیررسمی، بافت‌های فرسوده و تاریخی و نیز بافت‌های شهری با پیشینهٔ روستایی به‌منظور «بازآفرینی» هدف‌گذاری شدند. اخیراً نیز نسخهٔ به‌روزشدهٔ «سند ملی توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی» (سند جدید، ۱۴۰۲) به تصویب هیأت وزیران رسیده است.^۳

در عمل، فعالیت‌های «بهسازی»^۴ (یا تحت عناوین «سامان‌دهی» و «بازآفرینی»^۵) به‌کندی پیش رفته‌اند، درعین‌حال، دستاوردها و تجارب مهمی نیز حاصل شده است. در زمینهٔ تدوین برنامهٔ مداخلات در قالبی جامع، مهم‌ترین فعالیت، مطالعات مفصلی بوده است که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ برای دوازده محله در بندرعباس انجام شده است. هدف از آن، صورت‌بندی اقدامات مشخص برای هر یک از این سکونتگاه‌ها و درعین‌حال، حفظ یکپارچگی و جامعیت کل برنامهٔ «سامان‌دهی و توانمندسازی» در شهر بوده است. فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس به تدریج تحت نظارت ادارهٔ کل راه و شهرسازی استان هرمزگان و با مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط به مرحلهٔ اجرا درآمده‌اند و همچنان در دست اجرا هستند. تحلیل دستاوردها و چالش‌های آن‌ها حائز اهمیت است. این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی، این فعالیت‌ها را در بندرعباس ارزیابی می‌کند. در ادامه، به تجارب سیاستی در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان و ایران، تکامل سیاست‌گذاری مرتبط با آن‌ها در کشور و پیشینهٔ پژوهش پرداخته

1 Abbot

2 UN-Habitat

۳ در پیوند با برنامهٔ ششم توسعهٔ کشور، سند معروف به بازآفرینی سبب ابطال سند قدیمی توانمندسازی و سامان‌دهی دانسته شده و تهیهٔ سند جدید در دستور کار قرار گرفته است.

4 upgrading

5 regeneration

می‌شود. به دنبال صورت‌بندی اهداف و پرسش‌ها و توضیح روش پژوهش، اقدامات سامان‌دهی و توانمندسازی در بندرعباس، با تمرکز بر یکی از محله‌های هدف در آن به‌مثابه نمونه (محله چاهستانی‌ها)، مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا دستاوردها و چالش‌های فعالیت‌ها واکاوی شوند.

اسکان غیررسمی و رویکردهای سیاستی در قبال آن

دیدگاه‌های انتقادی در پیوند با اسکان غیررسمی بر نقش کانونی نابرابری‌های ساختاری و سازوکارهای انباشت سرمایه در شکل‌دهی به فضاهای شهری تأکید دارند. طبق آن‌ها (از جمله هاروی^۱، ۲۰۱۲)، شهر عرصه رقابت برای دستیابی به منابع و فرصت‌هاست و گروه‌های مسلط اقتصادی و سیاسی به‌واسطه کنترل فرایندهای برنامه‌ریزی و تخصیص زمین، الگوی توزیع ناعادلانه‌ای را در شهر ایجاد می‌کنند. این الگو در نهایت قشرهای کم‌درآمد را به سکونتگاه‌های غیررسمی می‌راند. به سخن دیگر، اسکان غیررسمی پیامد اجتناب‌ناپذیر عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری و ضعف مداخلات جبرانی دولت در تأمین مسکن اجتماعی و مقرون‌به‌صرفه برای قشرهای کم‌درآمد است (روی^۲، ۲۰۰۵). دیویس^۳ (۲۰۱۷) از این فراتر می‌رود و اسکان غیررسمی را نه به‌مثابه پیامدی گذرا، بلکه شکلی از شهرنشینی سرمایه‌دارانه در مقیاس جهانی ترسیم می‌کند. از نظر او، این سکونتگاه‌ها محصول مستقیم سیاست‌های نولیبرالی مانند تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی هستند که به‌واسطه قطع یارانه‌ها و کاهش برنامه‌های رفاهی عمومی، توده‌های عظیمی از جمعیت شهری را به حاشیه‌های فقرزده شهرها رانده‌اند.

برنامه اسکان بشر ملل متحد (۲۰۰۳: ۵) سکونتگاه‌های غیررسمی را نتیجه «شکست سیاست‌های مسکن و قوانین و سیستم‌های تأمین آن و نیز سیاست‌های ملی و شهری» دانسته است. فرایند شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی خارج از چارچوب‌های رسمی برنامه‌ریزی شهری، ضوابط کاربری زمین و مقررات ساخت‌وساز صورت می‌گیرد. ویژگی‌های ساختاری مانند عدم رعایت ضوابط فضایی، ناامنی مالکیت و عدم انطباق با استانداردهای ساخت و همچنین ماهیت جمعی اسکان غیررسمی، مبنایی را برای مداخلات یکپارچه و مبتنی بر مکان (مانند بهسازی درجا) و نیز سنجش پیشرفت آن‌ها از طریق تحلیل فضایی و تهیه مشارکتی نقشه فراهم می‌آورد (برنامه اسکان بشر ملل متحد، ۲۰۲۵). دو نهاد بین‌المللی اصلی فعال در این عرصه، یعنی برنامه اسکان بشر ملل متحد و بانک جهانی، بر اتخاذ رویکرد بهسازی در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید کرده‌اند. صرف‌نظر از تفاوت‌های مهمی که در تمهیدات مورد نظر این دو سازمان مشاهده می‌شود، طبق رویکرد بهسازی، بهبود وضع این سکونتگاه‌ها از مسیر هماهنگی میان‌بخشی در برنامه‌ریزی و اجرا، تأمین مالی پایدار و قابلیت‌بخشی به جوامع، از جمله از طریق حکمرانی محلی شفاف توانمندسازی ساکنان، تحقق‌پذیر است. مداخلات بهسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی عموماً با اهداف بهبود شرایط زندگی، ارتقای کیفیت زیرساخت‌های اساسی (آب، برق، فاضلاب)، تقویت مشارکت مردمی و ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان طراحی و اجرا شده‌اند. اما بسیاری از این برنامه‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعدد ساختاری و اجرایی مواجه بوده‌اند.

سابقه سیاست‌گذاری و اقدامات معطوف به سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران

سیاست‌های دولت ایران در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی طی چند دهه گذشته تحولاتی را از سر گذرانده‌اند. به دنبال تصویب «سند توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی» (هیأت وزیران، ۱۳۸۲) در اوایل دهه هشتاد، «سامان‌دهی» و «توانمندسازی»

1 Harvey

2 Roy

3 Davis

در دستور کار «سازمان [شرکت مادر-تخصصی] عمران و بهسازی شهری» (اکنون به نام شرکت بازآفرینی شهری) قرار گرفت.^۱ این سند رویکردهای قهری یا مبتنی بر بی‌توجهی در دهه‌های پیشین را به سمت بهسازی درجا و تأکید بر مشارکت مردم، ظرفیت‌سازی نهادی، و توانمندسازی تغییر داد. در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در چارچوب «طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن» (بنگرید به: بانک جهانی^۲، ۲۰۰۴) با همکاری بانک جهانی در پنج مرکز استان (بندرعباس، کرمانشاه، زاهدان، سنج و تبریز) اجرا شد و طی سال‌های بعدی در برخی دیگر از شهرهای کشور نیز مشابه‌سازی گردید.

در نیمه نخست دهه نود، «سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری» تصویب شد (هیأت وزیران، ۱۳۹۳). این مصوبه را گه‌گاه «سند بازآفرینی» هم خوانده‌اند؛ زیرا در آن، «بازآفرینی» را حائز مفهومی جامع‌تر از سامان‌دهی و بهسازی یا احیا و نوسازی تعریف کرده‌اند.^۳ «محل‌ها و محدوده‌های هدف»^۴ را نیز مشتمل بر اسکان غیررسمی، بافت فرسوده و بافت تاریخی دانسته‌اند.^۵ پس از تصویب این سند، شهر سبزوار به‌عنوان پایلوت ملی برگزیده شد و سکونتگاه‌های غیررسمی آن هدف فعالیت‌های «بازآفرینی» قرار گرفتند. پژوهشی که دربارهٔ دستاوردها و چالش‌های این فعالیت‌ها در سبزوار انجام شده است (علاءالدینی و نوروزی، ۱۳۹۸)، آثار مثبت‌شان را در بهبود وضع زندگی و توانمندسازی زنان مستند کرده است. اما از منظر گسترده‌تر، دستاوردهای این طرح نمونه فراتر از اقدامات قبلی بهسازی نرفته و فعالیت‌ها با کاستی‌هایی مشابه پروژه بانک جهانی در پنج شهر مواجه شده است؛ از جمله آماده‌نشدن طرح تفصیلی پیش از آغاز بازآفرینی، تخصیص نیافتن زمین مناسب برای برخی اقدامات کالبدی، توجه ناکافی به نهادسازی در سطح محلات و محدود ماندن اقدامات اجتماعی و توانمندسازی. همچنین، برنامه‌ریزی پیش‌گیرانه عمدتاً در احداث کمربند سبز حفاظتی برای جلوگیری از گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی خلاصه شده است. صرف‌نظر از طرح بازآفرینی در سبزوار، برجسته‌ترین فعالیت به‌منظور صورت‌بندی برنامه همه‌جانبه و مفصل در قالبی منظم، یکپارچه و مترکّم برای سکونتگاه‌های غیررسمی یک شهر، مربوط به بندرعباس بوده است که از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ صورت‌بندی نهایی شده است. سازمان عمران و بهسازی شهری چهار شرکت مشاور را (یکی از آن‌ها در سیمت عامل چهارم و

۱ میان قابلیت‌بخشی (enabling)، که بر اساس عنوان انگلیسی سند (Strategies for Enabling and Regularizing Informal Settlements) باید مراد آن تلقی گردد، و توانمندسازی (empowerment)، که در عنوان فارسی و جای‌جای متن آن ملحوظ است، تفاوت وجود دارد. هر چند که این دو مفهوم با یکدیگر مرتبط هستند، ولی عدم تمایزشان در این متن و نیز اسناد و تمهیدات بعدی (از جمله متون فارسی پروژه «بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن» بانک جهانی) سردرگمی‌هایی را ایجاد کرده است. افزون بر این، در متون فارسی مرتبط با اسکان غیررسمی، ظاهراً «سامان‌دهی» اصطلاحی متمایز از بهسازی نیست. نظر به این وضع، در مقاله حاضر نیز، چاره‌ای جز استعمال «توانمندسازی» به شکلی آمیخته با مفهوم «قابلیت‌بخشی» و نیز عدم تمایز میان اصطلاحات «سامان‌دهی» و «بهسازی» و همچنین «بازآفرینی» وجود ندارد.

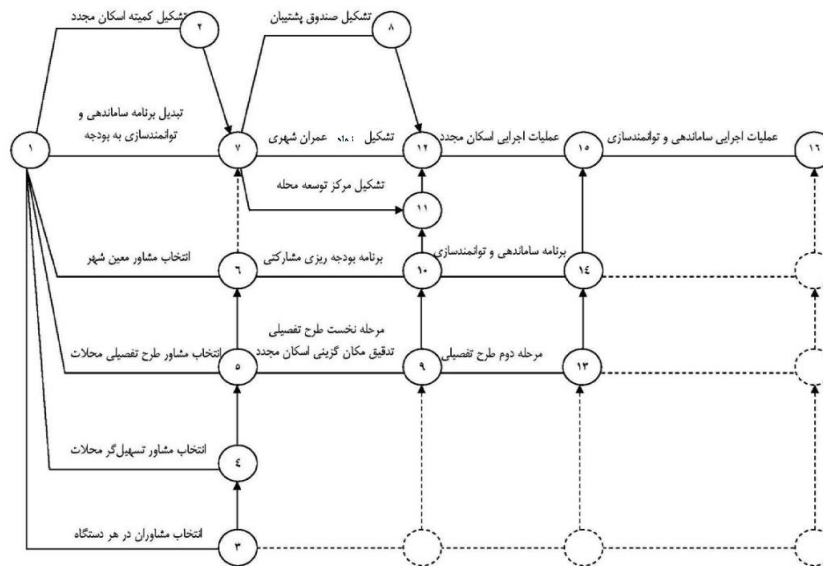
2 World Bank

۳ متن سند، که خالی از ابهامات مفهومی نیست، سه اصطلاح بازآفرینی و بهسازی و سامان‌دهی را تعریف کرده است. بازآفرینی شهری: «فرآیند توسعه همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محله‌های هدف در پیوند با باقی شهر»؛ بهسازی: «تقویت و توان‌بخشی دوباره و همه‌جانبه محدوده‌ها و محله‌های هدف با حداقل مداخله»؛ سامان‌دهی: «بازآفرینی محدوده‌ها و محله‌های هدف از طریق برنامه‌های باززنده‌سازی، احیا، بهسازی و نوسازی که منجر به توانمندسازی ساکنان و ارتقای شرایط کیفیت سکونت، زیست و فعالیت در این سکونتگاه‌ها می‌شود».

۴ طبق سند، «محدوده‌های نیازمند احیا، بهسازی و نوسازی واقع در محدوده تاریخی شهرها، پهنه‌های نابسامان میانی شهرها که حاصل ساخت‌وسازهای دهه‌های اخیر هستند، پهنه‌های شهری با پیشینه روستایی که در اثر گسترش بی‌رویه شهرها در عرصه کنونی شهر ادغام شده‌اند و سکونتگاه‌های غیررسمی که در محدوده شهرها قرار دارند هدف برنامه‌های احیا، بهسازی و نوسازی شهری است...».

۵ متعاقباً نام نهاد مسئول نیز از «سازمان [شرکت مادر-تخصصی] عمران و بهسازی شهری» به «شرکت بازآفرینی شهری» تغییر یافت.

مسئول تلفیق مطالعات) بدین منظور به کار گرفته است. «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر» برای محلات چاهستانی‌ها، سورو، نخل ناخدا و شهرک توحید، کمربندی، بهشت‌زهر/تپه الله اکبر و دو هزار، نایبند شمالی، نایبند جنوبی، خواجه‌عطا، پشت‌شهر و ششصد دستگاه تدوین شده است. هر یک از مشاوران فعالیت‌های خود را در پنج مرحله انجام داده است: (۱) بررسی اسناد فرادست؛ (۲) تحلیل وضع موجود محدوده‌های هدف؛ (۳) تعیین پهنه‌های نیازمند جابه‌جایی؛ (۴) تدوین چشم‌انداز و راهبردها و طراحی سازمان فضایی هر یک از محدوده‌ها؛ (۵) صورت‌بندی پروژه‌ها و سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی مورد نیاز. مشاوران در حوزه‌های مالی، مسکن، برنامه‌ریزی فضایی، تأمین اجتماعی، مشارکت مردم و مدیریت اجرا به تحلیل نهادی و سازمانی پرداخته و برای هر کدام پیشنهادی انتظام‌بخشی داده‌اند. متعاقباً صورت‌بندی تلفیقی از این پیشنهادها، مشتمل بر بودجه‌ریزی مشارکتی، صندوق پشتیبان، مشاور معین سامان‌دهی و توانمندسازی، مرکز توسعه محله و نهاد عمران شهری، شکل گرفته است. بدین ترتیب، نقشه کل مسیر سامان‌دهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس ترسیم شده است که خلاصه آن در نمودار ۱ آمده است. میزان تحقق و عملکرد این تمهیدات پیشنهادی تاکنون مورد ارزیابی قرار نگرفته است؛ این امر، با توجه به اهمیت موضوع، خلأ پژوهشی مهمی محسوب می‌شود.



نمودار ۱. نقشه کل مسیر سامان‌دهی و توانمندسازی در بندرعباس

(منبع: سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۲: ۸۸)

هدف و سؤالات پژوهش

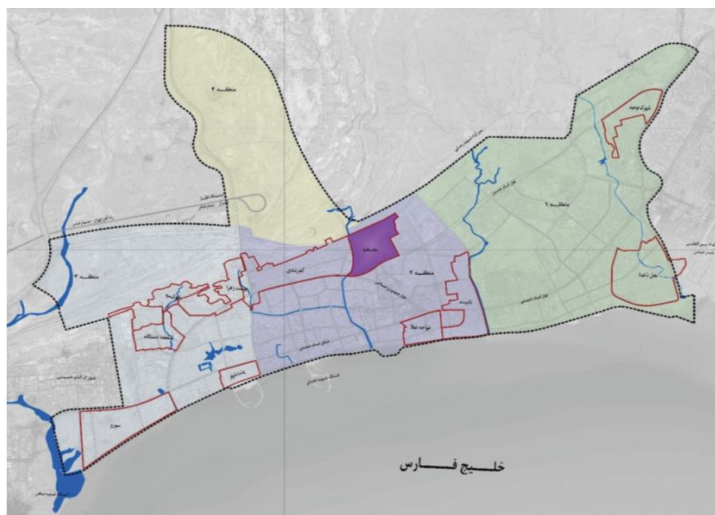
هدف از این پژوهش، ارزیابی مجموعه مداخلاتی است که در چارچوبی خاص برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس برنامه‌ریزی و اجرا شده‌اند تا از این رهگذر، رهنمودهایی برای ارتقای اثربخشی و پایداری برنامه‌ها در آینده ارائه شود. سؤالات اصلی پژوهش بدین قرار است:

۱. با در نظر گرفتن اقدامات مصرح در برنامه‌های تهیه‌شده برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس، مداخلات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی در محلات هدف سامان‌دهی و توانمندسازی چه دستاوردها و چالش‌هایی داشته‌اند؟

۲. تلقی دست‌اندرکاران اجرا و ساکنان محلی از نتایج پروژه‌های بهسازی چیست؟

نحوه انتخاب محله نمونه و روش تحقیق میدانی در آن

مطالعه میدانی این پژوهش از اوایل ۱۴۰۳، با بررسی اسناد و برنامه‌های تهیه‌شده برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس و تماس با مسئولان اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان، آغاز شده و تا اواخر همان سال ادامه یافته است. در آغاز، طی تعامل با مسئولان، معلوم شد که فعالیت‌های بهسازی با تأخیر زیادی همراه بوده و اقدامات به صورت منفرد در دستور کار قرار گرفته‌اند. بسیاری از پروژه‌ها در یکی از محلات هدف، یعنی چاهستانی‌ها، متمرکز شده‌اند؛ محله‌ای که در بخش میانی شهر قرار دارد (بنگرید به نقشه ۱). گذشته از «طرح گذربندی شبکه معابر محله چاهستانی‌ها» که در سال ۱۳۹۶ انجام شده است، اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان در سال ۱۳۹۸ نیز یک شرکت مشاور را برای تهیه طرح «بازآفرینی شهری محله چاهستانی‌های بندرعباس» به کار گرفته است. در گزارش این مشاور آمده است: «محله چاهستانی‌ها یکی از قدیمی‌ترین محلات بندرعباس است که در بافت قدیمی و فرسوده این شهر قرار دارد و با اینکه از قدیم‌الایام تحت تصرف مردم بوده، ولی ساکنین این محله از سند مالکیت برخوردار نیستند ... عدم توجه به ساختار کالبدی موجب شکل‌گیری بافتی ارگانیک با مسکنی ریزدانه و کیفیتی پایین گردیده که ... سبب شکل‌گیری شبکه معابری با کارایی پایین و یا فاقد کارایی شده است» (اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان، ۱۳۹۸: ۱). با این وصف، محله چاهستانی‌ها هم خصوصیات اسکان غیررسمی و هم ویژگی‌های بافت فرسوده (با تعریف مبتنی بر ریزدانه‌گی، نفوذناپذیری و ناپایداری) را دارد. با این حال، نظر به تمرکز بسیاری از فعالیت‌ها در این محله، معرفی آن از سوی مسئولان و همراهی آن‌ها در ارزیابی پروژه‌های آن و نیز با توجه به محدودیت‌های پژوهش حاضر، تنها محله چاهستانی‌ها به عنوان هدف پژوهش میدانی انتخاب شده است.



موقعیت محله چاهستانی‌ها

نقشه ۱. موقعیت محله چاهستانی‌ها در بندرعباس

(منبع: اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان، ۱۳۹۸: ۱۲)

به‌منظور مطالعهٔ محلهٔ چاهستانی‌ها، رویکردی کیفی اتخاذ شده است، تا امکان تحلیل عمیق‌تر شرایط اجرای برنامه‌های بهسازی در سطح خرد، از منظر کنشگران مختلف و نیز با توجه به تعاملات اجتماعی و دیدگاه‌های ذی‌نفعان فراهم آید. داده‌های پژوهش از طریق ابزارهای زیر گردآوری شده‌اند:

۱. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مسئولان اجرایی، کارشناسان نهادهای محلی و مدیران پروژه‌ها، برای فهم سیر تصمیم‌گیری، اجرای برنامه‌ها، چالش‌ها و ارزیابی‌های نهادی.
۲. تشکیل گروه بحث متمرکز با ساکنان محله (بهره‌بران نهایی)، به‌منظور ثبت ادراک ساکنان از کیفیت و اثرگذاری پروژه‌ها؛ این روش در شناسایی فاصلهٔ میان برنامه و تجربهٔ زیسته بسیار کلیدی بوده است.
۳. مشاهدهٔ مستقیم برای ثبت ویژگی‌های کالبدی، نحوهٔ بهره‌برداری از فضاهای عمومی، وضعیت زیرساخت‌ها و رفتار ساکنان در تعامل با محیط.

ترکیب ابزارهای گردآوری داده‌ها این امکان را فراهم آورده است تا تصویری از عملکرد اقدامات بهسازی در محلهٔ چاهستانی‌ها ترسیم شود. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، به‌واسطهٔ نمونه‌گیری هدفمند، با مسئولان بر اساس معیارهای آشنایی با تمهیدات، مسئولیت مرتبط و تخصص، صورت گرفته‌اند. در گامی دیگر، چهار گروه بحث متمرکز با حضور ساکنان آشنا با فعالیت‌های بهسازی برگزار شده‌اند. مشخصات این فعالیت‌های میدانی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده‌اند. در تمامی مراحل، ملاحظات اخلاقی در قانون توجه قرار گرفته و اهداف پژوهش پیش از هر مصاحبه یا مشارکت برای افراد تشریح و رضایت آگاهانهٔ آنان اخذ شده است. برای هر پروژه، چگونگی اجرا، مدت‌زمان انجام، موانع و چالش‌های اجرا و توصیه‌ها، با عنایت به شاخص‌های کارایی، اثربخشی، هماهنگی، تاثیرگذاری، پایداری و انسجام (بنگرید به سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی^۱، ۲۰۱۵)، مورد بررسی قرار گرفته است. سوالات مصاحبه‌ها و محورهای گفت‌وگو در گروه‌های بحث متمرکز، در پیوند با این شاخص‌ها، ابتدا به‌صورت اکتشافی صورت‌بندی و به‌تدریج در راستای آشکار ساختن جزئیات، متمرکزتر شده‌اند.

جدول ۱. فهرست مسئولان مصاحبه‌شده (تیر و آبان ۱۴۰۳)

مصاحبه‌شده	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	سمت و تخصص کاری	مدت زمان اشتغال
مسئول شمارهٔ ۱	لیسانس	مددکاری اجتماعی	سرپرست مشارکت‌ها و هویت‌بخشی بانوان در مرکز نیکوکاری مسجد حمزه، محلهٔ چاهستانی‌ها	۱۲ سال
مسئول شمارهٔ ۲	فوق دیپلم	علوم اجتماعی	مددکار و مسئول امور مالی و اداری در مرکز نیکوکاری مسجد حمزه، محلهٔ چاهستانی‌ها	۱۲ سال
مسئول شمارهٔ ۳	دانشجوی لیسانس	حقوق	مسئول اجرایی مرکز نیکوکاری مسجد حمزه، محلهٔ چاهستانی‌ها	۷ سال
مسئول شمارهٔ ۴	فوق دیپلم	علوم اجتماعی	مسئول مرکز کاهش آسیب‌ها در محلهٔ چاهستانی‌ها	۱۹ سال
مسئول شمارهٔ ۵	لیسانس	معماری	رابط بین محله و اداره شهرسازی و معاون سابق دفتر تسهیل‌گری در محلهٔ چاهستانی‌ها	۱۵ سال
مسئول شمارهٔ ۶	فوق لیسانس	معماری	رئیس بخش بازآفرینی شهری اداره راه و شهرسازی و عضو ستاد بازآفرینی شهری استان هرمزگان	۱۵ سال
مسئول شمارهٔ ۷	دکتر	برنامه ریزی شهری	رئیس سابق دفتر تسهیل‌گری محلهٔ چاهستانی‌ها	۹ سال
مسئول شمارهٔ ۸	لیسانس	معماری	مسئول اجرایی پروژه‌های محلهٔ چاهستانی‌ها	۱۶ سال

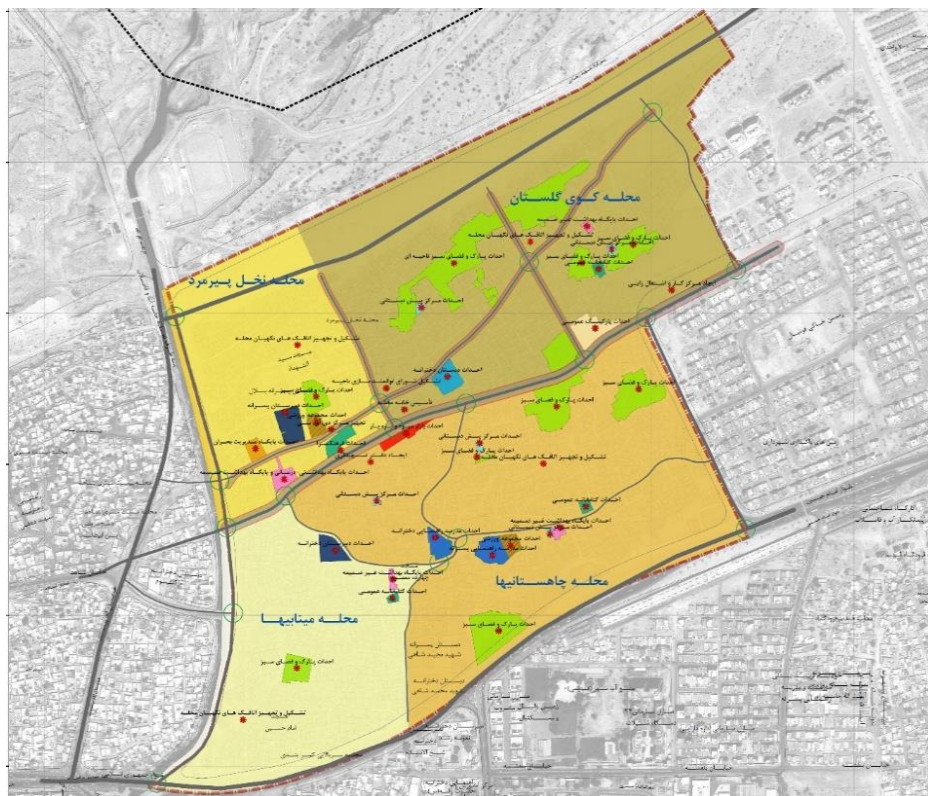
جدول ۲. فهرست شرکت‌کنندگان در گروه‌های بحث متمرکز (آبان ۱۴۰۳)

حاضران	سن	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	اشتغال	مدت زمان سکونت
ساکن شماره ۱	۲۹	دیپلم	کامپیوتر	خانه‌دار	۱۸ سال
ساکن شماره ۲	۳۴	دیپلم	خیاطی	خیاط	۲۵ سال
ساکن شماره ۳	۲۷	لیسانس	حسابداری	حسابدار فروشگاه	۲۷ سال
ساکن شماره ۴	۳۳	دیپلم	انسانی	مغازه‌دار	۳۰ سال
ساکن شماره ۵	۳۰	دیپلم	انسانی	خانه‌دار	۲۳ سال
ساکن شماره ۶	۴۸	سیکل	...	خانه‌دار	۴۷ سال
ساکن شماره ۷	۵۲	پنجم ابتدایی	...	خانه‌دار	۵۲ سال
ساکن شماره ۸	۳۴	دیپلم	فنی حرفه‌ای	گلدوزی	۳۴ سال
ساکن شماره ۹	۲۵	فوق دیپلم	حسابداری	حسابدار فروشگاه	۱۵ سال
ساکن شماره ۱۰	۲۹	دیپلم	ریاضی	خانه‌دار	۱۸ سال
ساکن شماره ۱۱	۴۸	سیکل	...	سبزی‌فروشی	۴۰ سال
ساکن شماره ۱۲	۴۷	دوم راهنمایی	...	خانه‌دار	۳۵ سال
ساکن شماره ۱۳	۵۶	بی‌سواد	...	خانه‌دار	۴۵ سال
ساکن شماره ۱۴	۴۳	سیکل	...	خانه‌دار	۳۵ سال
ساکن شماره ۱۵	۳۷	فوق دیپلم	خیاطی	خیاط و گلدوز	۳۳ سال
ساکن شماره ۱۶	۴۰	دیپلم	تجربی	خانه‌دار	۳۵ سال
ساکن شماره ۱۷	۲۹	کارشناسی	پرستاری	پرستار	۲۰ سال
ساکن شماره ۱۸	۳۲	دیپلم	انسانی	آرایشگر	۳۲ سال
ساکن شماره ۱۹	۳۴	کاردانی	طراحی دوخت	خیاط و مزون‌دار	۳۴ سال
ساکن شماره ۲۰	۳۲	دیپلم	کار و دانش	نقاش	۳۰ سال
ساکن شماره ۲۱	۲۸	کاردانی	علوم ورزشی	مربی مهد کودک	۲۸ سال
ساکن شماره ۲۲	۳۵	دیپلم	ریاضی	خانه‌دار	۷ سال
ساکن شماره ۲۳	۴۹	بی‌سواد	...	خانه‌دار	۴۰ سال
ساکن شماره ۲۴	۵۵	کارشناسی	مامایی	ماما	۵۰ سال
ساکن شماره ۲۵	۲۹	فوق لیسانس	روانشناسی	مشاور مدرسه	۲۹ سال

یافته‌های پژوهش میدانی

محله چاهستانی‌ها پیش از مداخلات، با مشکلات متعددی نظیر فقدان دسترسی مناسب به خدمات، کمبود زیرساخت‌های شهری، و وضعیت نامناسب کالبدی مواجه بوده است. شایان ذکر است که محدوده‌ای که امروزه به نام محله چاهستانی‌ها شناخته می‌شود، در گذشته جزئی از بافت شهری به شمار نمی‌آمده و این وضعیت تا سال ۱۳۴۳ بدون تغییر باقی مانده است. با تدوین نخستین طرح جامع شهر در سال ۱۳۴۳ و بر اساس ضوابط مندرج در آن، این پهنه به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی در حریم شمالی شهر تعیین شده است. جذابیت‌های نظامی و اقتصادی بندرعباس در دهه‌های بعد، موجب افزایش مهاجرت به محله چاهستانی‌ها شده است. در نتیجه، این محله پذیرای کارگاه‌های تولید مصالح ساختمانی و فعالیت‌های صنعتی شده و نخستین بخش‌های آن در مغرب خور گورسوزان و شمال محور کمربندی پدید آمده است. پس از سال ۱۳۷۵ نیز موج دیگری از مهاجرت به این منطقه شکل گرفته است. سطح نازل درآمد در میان مهاجران جدید موجب شکل‌گیری بافتی خودرو و ناهمگون در این محله، با کوچه‌های باریک و بلوک‌های ریزدانه شده است. در نهایت، ویژگی‌های بارز محله چاهستانی‌ها را می‌توان تراکم بناهای کوتاه‌مرتبه، شیوع سکونت غیررسمی، فقدان سند رسمی، کمبود تأسیسات شهری و نیز سطح زیستی نازل دانست. این محله تقریباً ۱۰۰ هکتار وسعت دارد و جمعیت آن در سال ۱۳۹۸ حدود ۱۵۹۰۰ نفر ذکر شده است (اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان، ۱۳۹۸: ۴، ۴۳).

در «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر»، برای محله چاهستانی‌ها ۷۸ پروژه صورت‌بندی شده است که در میان آن‌ها، ۱۳ مورد ذیل بخش اجتماعی، ۶ مورد در بخش اقتصادی، ۳ مورد در قالب ظرفیت‌سازی، ۵ مورد در بخش زیست‌محیطی، ۶ مورد تحت عنوان زیرساختی، جابه‌جایی و اسکان مجدد و حدود ۴۵ مورد نیز ذیل بخش کالبدی قرار گرفته‌اند (سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۱الف: ۱۲۳). با توجه به مشکلات یادشده در محله، هدف اصلی تمهیدات کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی ساکنان و نیز خروج محله از وضعیت انزوای اجتماعی اعلام شده و انتظار می‌رفته است که پروژه‌ها با مشارکت فعال ساکنان اجرا شوند. نقشه ۲، جایابی پروژه‌های پیشنهادی را در محله نشان می‌دهد. با این حال، اقدامات صورت‌بندی‌شده برای سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس به‌کندی در دستور کار اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان و دستگاه‌های ذی‌ربط قرار گرفته‌اند، اگرچه که در محله چاهستانی‌ها تمرکز بیش‌تری یافته است. فهرست پروژه‌هایی که در عمل در محله چاهستانی‌ها اجرا شده‌اند یا در دست اجرا هستند، در جدول ۱ آمده است. این پروژه‌ها شامل مداخلات توسعه‌ای و کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و توانمندسازی، و اقتصادی و حقوقی می‌شوند که در ادامه، ذیل همین عناوین مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.



نقشه ۲. جانمایی پروژه‌های برنامه‌ریزی شده برای محله چاهستانی‌ها در «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر»

(منبع: سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۱ب: ۳۷)

جدول ۱. پروژه‌های اجرا شده یا در دست اجرا در محله چاهستانی‌ها

پروژه	مقصد	وضعیت	گروه هدف
برگزاری دوره‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار	دستیابی به سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول	در حال انجام	زنان سرپرست خانوار
برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریت خانواده		در حال انجام	زنان
تجهیز کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد محله		انجام شده	جوانان و نوجوانان
برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت پایه		در حال انجام	کل ساکنان محله
ایجاد پایگاه خدمات اجتماعی و اجرای برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد	ایجاد محیطی امن از لحاظ اجتماعی و اقتصادی	در حال انجام	کل ساکنان محله
صدور سند مالکیت رسمی برای واحدهای مسکونی حائز شرایط لازم	تقویت ساختار اقتصادی محله	انجام شده	کل ساکنان محله
تعبیه سطل‌های زباله در سراسر محله	ارتقا کیفیت بهداشتی و محیط زیست محله	انجام شده	کل ساکنان محله
ساماندهی و لایروبی خورگورسوزان		انجام شده	کل ساکنان محله
استقرار وسایل ورزشی و ایجاد پارک و فضای سبز محله‌ای	دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب	انجام شده	کل ساکنان محله
احداث معبر شرقی غربی در مرکز محله		انجام شده	کل ساکنان محله
احداث فرهنگسرا	تأمین دستیابی به توسعه‌ی کالبدی پایدار	انجام شده	کل ساکنان محله
احداث مدرسه دخترانه و پسرانه در مقاطع مختلف		انجام شده	کل ساکنان محله
نصب چراغ و تأمین روشنایی محله	از بین بردن فضاهای ناامن و بی‌دفاع	انجام شده	کل ساکنان محله

(منبع: تعامل با مسئولان اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان)

پروژه‌های توسعه‌ای و کالبدی

پروژه احداث معبر ۲۴ متری و ایجاد مغازه‌های جدید در محله چاهستانی‌ها از جمله مداخلات شاخص در برنامه بهسازی و توانمندسازی بندرعباس به شمار می‌رود. هدف اصلی آن، افزایش نفوذپذیری بافت، تسهیل تردد ساکنان و ارتقای ارزش اقتصادی املاک بوده است. عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۹۷ آغاز شده و تا سال ۱۴۰۰ ادامه یافته است. دلایل این طولانی‌شدن، پیچیدگی‌های فنی اجرا، لزوم تخریب حدود ۲۰۰ واحد مسکونی فرسوده، مخالفت‌های اولیه شماری از ساکنان و پاره‌ای دیگر از چالش‌های زیرساختی و نهادی عنوان شده است. بستر سست زمین، وجود آب‌های سطحی و فاضلاب‌های جذبی ناشی از شبکه فرسوده، استانداردسازی تأسیسات زیربنایی را به مسئله‌ای پرهزینه و زمان‌بر تبدیل کرده است. مسئولان مصاحبه‌شده تصریح کرده‌اند که در زیر ترانشه‌ها آب وجود داشته و این مسئله موجب کندی عملیات شده است. افزون بر این، کمبود بودجه و محدودیت‌های اعتباری در دوره تورمی سال‌های اخیر، بر تأخیرهای پیاپی پروژه دامن زده است. اگرچه قرار بوده به مالکان پلاک‌های تخریب‌شده، زمین یا واحد جایگزین در سایر نقاط محله واگذار شود، ولی اطلاعات موجود ارزیابی روشنی از میزان تحقق این تعهدات یا کیفیت مسکن‌های جایگزین به دست نمی‌دهد. بخشی از قطعات باقی‌مانده در جوار معبر نیز برای احداث ۳۰۰ واحد مسکونی یا تجاری، پارکینگ و فضای سبز در نظر گرفته شده است. به گفته مسئولان، این اقدام می‌تواند ارزش‌افزوده مدنظر بخش عمومی را تأمین کند، هرچند نحوه تأمین مالی و میزان تحقق‌پذیری این وعده از شفافیت کافی برخوردار نیست. همچنین، اگرچه به زعم مسئولان، احداث معبر ۲۴ متری با «توافق کامل» ساکنان به سرانجام رسیده است، ولی پروژه احداث خیابان حمزه به دلیل مخالفت مالکان ناتمام

مانده است. این امر حاکی از چالش‌های پروژه در مدیریت تنوع اجتماعی و بی‌توجهی نسبی به نیازهای گروه‌های فرودست در فرایند جلب موافقت است. فعالیت‌های جانبی، نظیر جداره‌سازی توسط شهرداری، اعطای گل رایگان و جمع‌آوری نخاله‌های ساختمانی، هرچند در ظاهر رویکردی تسهیل‌گرانه دارند، ولی جای خالی برنامه‌ای جامع و مشارکتی را در این پروژه پر نمی‌کنند. از نظر ساکنان، پروژه در دستیابی به اهداف اصلی خود توفیق نسبی داشته است. دسترسی آسان‌تر به خیابان‌های اصلی، کاهش زمان تردد، روان‌سازی ترافیک و رونق کسب‌وکارهای کوچک در امتداد معبر جدید، از جمله دستاوردهایی است که بیش‌تر ساکنان محلی به آن‌ها اشاره می‌کنند. به قول یکی از آنان، «از وقتی بلوار شهید تختی را کشیدند، رفت‌وآمد خیلی راحت‌تر شده. دیگر لازم نیست برای خرید روزمره از محله برویم بیرون». با این حال، پروژه از حیث مشارکت اصیل، توجه به گروه‌هایی که صدایشان کم‌تر شنیده می‌شود و شفافیت در جبران خسارت، کاستی‌هایی داشته است. ارزیابی پایداری بلندمدت پروژه، بدون پایش شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در بازه زمانی گسترده‌تر، زودهنگام است و نیازمند بررسی دوباره خواهد بود. در مجموع، پروژه معبر ۲۴ متری را می‌توان از جنبه کالبدی و کارکردی نسبتاً موفق ارزیابی کرد، ولی از منظر فرایندی، تحقق عدالت فضایی و اتخاذ رویکردی مشارکتی، کاستی‌های آشکاری دارد که لازم است در برنامه‌های آتی مورد توجه جدی قرار گیرند.

در گزارش «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر»، کمبود فضاهای سبز و ورزشی از مهم‌ترین مطالبات ساکنان عنوان شده است. طی فعالیت‌های اخیر، نیازها از طریق جلسات شورای محله، مصاحبه با ساکنان و مطالعات میدانی شناسایی نهایی شده و پروژه‌ها با توجه به تحلیل‌های ترافیکی و جمعیتی و لزوم استقرار وسایل ورزشی در نقاط پرتردد (مثلاً نزدیک باشگاه ابومسلم) جایابی شده‌اند. بر این اساس، دو زمین چمن مصنوعی فوتسال احداث شده‌اند. طبق مشاهدات میدانی، یکی از آن‌ها از کیفیت نازلی برخوردار است (از جمله چمن پاره، بخش‌های سیمانی گسترده و تور دروازه آسیب‌دیده) و وضعیت زمین دیگر که در شهرک گلستان قرار دارد، بهتر است. چهار زمین بازی کوچک نیز ساخته شده‌اند. این زمین‌ها فاقد فضای سبز هستند و وسایل ورزشی آن‌ها هنگام بازدید میدانی عمدتاً خراب بوده است؛ همچنین، در اطراف آن‌ها آب‌های سطحی جاری و زباله‌های رهاشده در کنار تیرهای برق مشاهده می‌شد. مسئولان معتقدند که تخریب وسایل توسط برخی ساکنان یا افراد محله‌های مجاور و استفاده نادرست از امکانات عمومی، از چالش‌های عمده این پروژه است. به گفته یکی از آنان، «پیش می‌آید که چیزهایی که یک محله داشت، از محله دیگر می‌آمدند و آن را خراب می‌کردند». همچنین، به نظر می‌رسد محدودیت بودجه، کیفیت طراحی و تجهیزات را کاهش داده است. کمبود فضای کافی در برخی نقاط محله نیز احداث پارک یا معبر را با پیچیدگی مواجه کرده است. ساکنان حاضر در گروه‌های بحث متمرکز بر این باورند که هماهنگی پروژه‌ها با نیازهای محله ضعیف بوده است؛ پراکندگی نامتناسب و مقیاس کوچک فضاها نه تنها اثربخشی آن‌ها را محدود کرده، بلکه موجب شده است اکثر اهالی همچنان از دسترسی منصفانه به فضای سبز و امکانات ورزشی محروم بمانند. به تبع آن، کارایی پروژه به دلیل مشکلات اجرایی، فقدان طراحی جامع و توزیع ناعادلانه امکانات، پایین گزارش شده است. تأثیرگذاری این مداخلات بر بهبود کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی یا تعاملات ساکنان نیز ناچیز بوده است و پایداری پروژه، با توجه به محدودیت اقداماتی نظیر کاشت درختان و درعین حال عدم نگهداری اصولی از آن‌ها، ضعیف ارزیابی می‌شود. انسجام نهادی نیز مخدوش است؛ چراکه هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول در مراحل طراحی، اجرا و نگهداری به وضوح نامناسب بوده است. روی هم رفته، پروژه‌های فضاهای سبز و ورزشی محله، علی‌رغم صرف منابع و تلاش برای پاسخ به مطالبه‌ای عمومی، به دلیل کاستی‌های مذکور در طراحی، جایابی، کیفیت اجرا و بهره‌برداری مشارکتی، نتوانسته‌اند انتظارات ساکنان را برآورده سازند. تحقق نتایج پایدارتر در این حوزه، نیازمند برنامه‌ریزی یکپارچه، تخصیص منابع متناسب با نیاز واقعی و ایجاد سازوکارهای مشارکت محلی در تمام مراحل پروژه است.

احداث چند فرهنگسرا به منظور ارتقای سطح فرهنگی، ایجاد فضاهای آموزشی و جمعی و تقویت تعاملات اجتماعی در دستور کار قرار گرفته است. تدقیق نیازها از طریق تعامل با ساکنان، بررسی‌های میدانی و جلسات با مدیران محلی صورت پذیرفته است. مشاهدات میدانی از هر دو فرهنگسرای احداث شده در بخش اصلی محله (دوراهی ایسینی و کوی گلستان)، حاکی از وضعیت مطلوب فضا و مناسب بودن تجهیزات است. به باور مسئولان، این مراکز نقشی کلیدی در ارتقای آگاهی، تعاملات اجتماعی و مشارکت ساکنان ایفا می‌کنند. فرهنگسراها میزبان دوره‌های آموزشی صنایع‌دستی و برق‌کاری، مشاوره‌های اجتماعی با تأکید بر زنان و نیز برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان هستند. این فعالیت‌ها با همکاری سازمان بهزیستی و سایر نهادهای مرتبط انجام می‌شود و مشاوره‌های تخصصی در حوزه‌های خانواده و کودک را نیز دربرمی‌گیرد. بالاین‌حال، ساختار سنتی اقتدار در محله چاهستانی‌ها چالش‌هایی را در مسیر این اقدامات ایجاد کرده است. برخی از صاحبان نفوذ در محله، احداث مسجدی بزرگ‌تر را بر ایجاد مرکز فرهنگی ترجیح داده‌اند. این مخالفت‌ها فرایند اجرای پروژه را با کندی مواجه کرده است. به گفته یکی از مسئولان: «می‌پرسیدیم درخواستان چیست؟ می‌گفتند مسجد... می‌گفتیم خوب، مسجد که داریم. می‌گفتند نه، مال ما هزار متر است؛ مال آن‌ها دو هزار متر است... یا می‌گفتیم گوشه مسجد کتابخانه بزنیم. می‌گفتند نه بابا، کتابخانه به درد نمی‌خورد... ساختار محله سنتی است و اگر دست خودشان بود، توی هر کوچه مسجد می‌ساختند». درعین‌حال، مصاحبه با ساکنان نشان می‌دهد که هماهنگی پروژه با نیازهای فرهنگی محله در سطح بالایی قرار داشته است. برنامه‌های متنوع آموزشی، مهارت‌آموزی و فعالیت‌های کانون پرورش فکری با استقبال خوبی مواجه شده‌اند. اثربخشی پروژه نیز مطلوب ارزیابی می‌شود؛ افزایش سطح آگاهی، آموزش و مشارکت اجتماعی و همچنین تنوع فعالیت‌ها، بیانگر عملکرد مناسب در ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی است. کارایی پروژه نیز، با توجه به استفاده کارآمد از منابع محدود و تأمین فضاهای کافی و خدمات متنوع، مناسب به نظر می‌رسد. صرف‌نظر از این، عدم احداث پل عابر پیاده بر بزرگراه شهید رجایی برای تأمین امنیت دانش‌آموزان، حاکی از کم‌توجهی طراحان است.

پروژه‌های آموزشی محله در قالب احداث مدارس جدید، استانداردسازی فضاهای موجود، جبران کمبود زیربنا نسبت به جمعیت دانش‌آموزی و تأمین فضای آموزشی کافی تعریف شده‌اند. مهم‌ترین این پروژه‌ها عبارت‌اند از بازسازی مدرسه ۱۲ کلاسه بلال، تخصیص زمین برای احداث مدرسه ۶ کلاسه پسرانه، و احداث مدرسه دخترانه و دبیرستان شرکت نفت. وضعیت کنونی پروژه‌ها حاکی از پیشرفت نامتوازن و تأخیرهای قابل‌توجه در اجرای آن‌هاست. بازسازی مدرسه بلال از سال ۱۴۰۳ آغاز شده است، اما به دلیل مشکلات تأمین اعتبار، احتمال تمدید زمان اجرای پروژه به بیش از دو سال وجود دارد. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد این بازسازی هم‌زمان با برگزاری کلاس‌ها در ساختمان‌های قدیمی انجام می‌شود و عملیات ساختمانی نیز در حیاط مدرسه جریان است. زمین مدرسه ۶ کلاسه پسرانه از سال ۱۳۹۸ در مقابل ساختمان نیمه‌کاره مرکز بهداشت تخصیص یافته است، اما تاکنون هیچ‌گونه عملیات ساختمانی در آن آغاز نشده است. چالش‌های اصلی فراروی پروژه‌ها را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد: نخست، کمبود منابع مالی و تأمین اعتبار قطره‌چکانی که در شرایط تورمی به توقف یا کندی جدی پروژه‌ها انجامیده است. دوم، نبود برنامه‌ریزی یکپارچه و جامع‌نگر برای تأمین نیازهای آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی. سوم، مسائل اجرایی، نظیر تداوم فعالیت‌های آموزشی هم‌زمان با عملیات ساختمانی، که کیفیت هر دو را تهدید می‌کند. مسئولان برای کاهش این مشکلات، پیشنهادهایی از جمله استفاده از ظرفیت صنایع محلی و مشارکت خیران برای تأمین اعتبارات پایدار، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ساختمانی برای افزایش سرعت و کیفیت، و ایجاد سازوکارهای شفاف برای هماهنگی بین‌دستگاهی مطرح کرده‌اند. با وجود این، کمبود زیرساخت‌های آموزشی همچنان پابرجاست. ارزیابی مسئولان از وضعیت دبستان و دبیرستان در سطح بالایی قرار دارد و به گفته آنان، این تمهیدات موجب افزایش دسترسی به آموزش و کاهش ترک تحصیل شده است. درعین‌حال، رضایت ساکنان از این پروژه در سطح متوسطی قرار دارد. کمبود

مدرسه راهنمایی، به‌ویژه برای پسران، دانش‌آموزان را به محله‌های دیگر روانه کرده و موجب تحمیل هزینه‌های اضافی و ایجاد نارضایتی شده است. در مجموع، تأمین مالی پایدار، برنامه‌ریزی جامع‌نگر و هماهنگی مؤثر میان نهادهای برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی محله ضروری به نظر می‌رسد.

طی مصاحبه با مسئولان، هدف اصلی پروژه تأمین روشنایی در محله چاهستانی‌ها، افزایش ایمنی، کاهش فضاهای ناامن و بی‌دفاع و بهبود احساس امنیت ساکنان اعلام شده است. نیازهای محله از طریق جلسات با ساکنان و گزارش‌های شورای محله شناسایی شده است. محله با مشکلات همچون تاریکی معابر در شب، رفتارهای پرخطر و احساس ناامنی مواجه بوده است. انتظار می‌رفت این پروژه با کاهش فضاهای بی‌دفاع و تقویت حس جمعی، استفاده از فضاهای عمومی را تسهیل کند. اجرای پروژه طی ۲ تا ۳ سال و در چندین مرحله در معابر اصلی و فرعی صورت گرفته است. طبق نظر مسئولان، چالش‌های اجرای پروژه شامل تأخیر در تأمین بودجه و تخصیص اعتبارات مقطعی و ناکافی، خرابی مکرر تجهیزات و عدم پاسخ‌گویی سریع به درخواست‌های تعمیر، تخریب چراغ‌ها توسط کودکان و ضعف فرهنگ نگهداری بوده است. به گفته یکی از آنان، «ما پایه‌های تیر برق را کشیدیم و روشنایی را آوردیم؛ اما متأسفانه بچه‌های محله با تیرکمان سنگ می‌زنند و لامپ‌ها را می‌شکنند. این باعث می‌شود هزینه‌ها و زحمت دوباره‌ای برای ما ایجاد شود». دشواری نصب تجهیزات در کوچه‌های باریک و صعب‌العبور، در کنار سیم‌کشی که به آسیب‌دیدگی درختان یا معابر انجامیده است، از دیگر چالش‌های اجرای پروژه بوده است. بر اساس مصاحبه با ساکنان، پروژه با تمرکز بر ارتقای امنیت شبانه، از اهمیت بسیاری برخوردار است. با این حال، پراکندگی نامتناسب منابع نوری و بی‌توجهی به نقاط پرخطر، به‌ویژه کوچه‌ها و معابر فرعی، موجب باقی‌ماندن بخش‌هایی از محله در تاریکی شده است. این وضعیت حاکی از ضعف در ارزیابی جامع نیازهای فضایی-اجتماعی است. اثربخشی پروژه در مناطق تحت پوشش مناسب به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه از نظر افزایش احساس امنیت و فعال‌تر شدن فضاها در شب. در عین حال، وجود مناطق تاریک و نگرانی‌های شبانه ساکنان، از جمله ترس از تردد و مزاحمت‌ها، نشان می‌دهد که محیطی ایمن و فراگیر در سراسر محله ایجاد نشده است. در مجموع، اگرچه پروژه ظرفیت بالایی برای بهبود امنیت محله دارد، ضعف در اجرا، توزیع نامناسب منابع و مشکلات مربوط به کیفیت تجهیزات و نگهداری، مانع تحقق کامل اهداف آن شده است.

پروژه‌های زیست‌محیطی

دو پروژه کلیدی برای ارتقای کیفیت محیط‌زیست شهری و بهداشت عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی محله چاهستانی‌ها ضروری بوده است: نصب سطل‌های زباله برای مدیریت پسماند و لایروبی و سامان‌دهی خور گورسوزان. هدف اصلی این پروژه‌ها، کاهش آلودگی‌های محیطی، بهبود چشم‌انداز زیست‌محیطی و ارتقای رفاه زیستی ساکنان اعلام شده است. مکان‌یابی سطل‌های زباله بر اساس تراکم جمعیتی و الگوهای تولید پسماند انجام گرفته و سامان‌دهی خور نیز با همکاری کارشناسان محیط زیست و مهندسان آب و فاضلاب پیش رفته است. خور تاکنون حداقل دو بار لایروبی شده است و پروژه هدایت فاضلاب محلی به مسیرهای صنعتی نیز در حال پیگیری است تا بار آلاینده‌ها کاهش یابد. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که خور بسیار آلوده و مملو از زباله و نخاله ساختمانی است. به گفته یکی از ساکنان، «خور پر از موش و حشره‌ست که داخل خانه‌ها می‌آیند؛ ما بچه کوچک داریم و مریضی با خودشان می‌آورند و بوی خور در ساعت‌هایی بیش از اندازه اذیت‌کننده است و گاز خیلی بدی دارد». ساکن دیگری می‌گوید: «حدود اوایل صبح و نصف شب، خیلی بوی بد فاضلاب بالا می‌زند... حتی توی خانه هم نمی‌شود نفس کشید». بر اساس مصاحبه با مسئولان، چالش‌های این پروژه‌ها را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد. در سطح اجتماعی-فرهنگی، تخریب یا سرقت سطل‌های زباله، رها کردن زباله در زمان‌های نامناسب و عادات فرهنگی ناشی از ضعف آموزش شهروندی، کارایی سیستم مدیریت پسماند را

کاهش داده است. به گفته یکی از مسئولان: «مشاهده کردیم برخی سطل‌ها شکسته یا دزدیده شدند؛ این موضوع نه تنها مشکلات زیست‌محیطی را حل نکرد، بلکه به آن‌ها افزود». در سطح مدیریتی، تعداد ناکافی سطل‌ها، عدم نظارت و مدیریت صحیح، زمان‌بندی نامناسب جمع‌آوری زباله و لایروبی پراکنده و کوتاه‌مدت، اثربخشی پروژه‌ها را محدود کرده است. در سطح نهادی، دشواری همکاری با شرکت آب و فاضلاب و سایر نهادها، بودجه ناپایدار و تأخیر در تأمین اعتبار، از موانع ساختاری اصلی به شمار می‌روند. اگرچه اهداف اولیه با نیازهای مدیریت پسماند و بهداشت عمومی هماهنگ بوده است، اجرای ناقص پروژه‌ها انتظارات را برآورده نکرده است. در مجموع، رضایت ساکنان از این پروژه‌ها در سطح پایینی قرار دارد. به گفته یکی از آنان، «محل ما سطل زباله خیلی کم دارد... آشغال‌ها تلنبار می‌شود و بوی بدی ایجاد می‌کند». اهداف این تمهیدات، به دلیل ضعف در برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی بین‌دستگاهی و آموزش شهروندی، به‌طور کامل محقق نشده است. این تجربه نشان می‌دهد که مداخلات زیست‌محیطی در بافت‌های غیررسمی، بدون همراهی جامعه محلی، آموزش مستمر و تأمین مالی پایدار، به موفقیت کامل دست نخواهند یافت.

پروژه‌های اجتماعی و توانمندسازی

در گزارش «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر»، توانمندسازی خانواده‌ها با تمرکز بر گروه‌های آسیب‌پذیر، شامل زنان سرپرست خانوار، کودکان، نوجوانان و مردان بیکار، از اهداف کلیدی برنامه است. اقدامات مربوط به این هدف به‌منظور ایجاد اعتمادبه‌نفس، خودتکایی و ارتقای ظرفیت‌های فردی-خانوادگی طراحی شده است. شناسایی ظرفیت‌ها و نیازها از سال ۱۳۹۴ آغاز شده و برنامه از سال ۱۴۰۱ وارد مرحله اجرایی رسمی شده است. ذی‌نفعان از طریق بازدیدهای میدانی، معرفی از سوی معتمدان محلی و بررسی پرونده‌های خانوادگی شناسایی شده‌اند. در حوزه حمایت اقتصادی، تجهیزات شغلی نظیر ترازو، دستگاه یخ‌دریخت‌ساز، میوه‌خشک‌کن، چتر و سینی میوه‌فروشی و فلافل‌ساز توزیع شده است. بیش‌تر بهره‌برداران از پروژه، فعالیت اقتصادی خود را آغاز کرده و به استقلال نسبی دست یافته‌اند. همچنین، آموزش‌های مشاوره‌ای و مهارتی، شامل مدیریت زندگی، فرزندپروری و کسب‌وکار، عمدتاً در مساجد، در دستور کار قرار گرفته است. مرحله نخست این برنامه با حضور ۲۵ نفر از زنان محله به اجرا درآمده است. در راستای توانمندسازی فرزندان، تجهیز کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد از سال ۱۳۸۸ و به‌طور گسترده‌تر از ۱۴۰۳، در دستور کار قرار گرفته است. به‌منظور پرورش استعدادهای ورزشی-هنری نوجوانان، بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، دوره‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای، از جمله خیاطی، آرایشگری، آشپزی، جوشکاری، تعمیر کولر و فناوری اطلاعات، با همکاری نهادهای مربوط برگزار شده است. با این حال، در دوره اخیر، کمبود مربی و فضای مناسب، در کنار فقدان تجهیزات رفاهی، موجب ایجاد وقفه در فعالیت‌ها شده است. در مجموع، پروژه‌های توانمندسازی دستاوردهای مثبتی داشته‌اند، ولی تداوم این نتایج مستلزم رفع چالش‌های ساختاری، فرهنگی و مرتبط با منابع انسانی و نیز استمرار حمایت‌های بین‌سازمانی است.

مرکز کاهش آسیب محله چاهستانی‌ها فعالیت خود از سال ۱۳۸۹ با نظارت سازمان بهزیستی آغاز کرده و به مصرف‌کنندگان مواد (هروئین و شیشه)، کارتن‌خواب‌ها و افراد درگیر اعتیاد خدمات رایگان ارائه می‌دهد. خدمات مرکز شامل متادون‌درمانی، مشاوره روانی و اجتماعی، عرضه اقلام بهداشتی و غذای گرم روزانه، و امکان استحمام و تعویض لباس است. کادر مرکز متشکل از پزشک، روان‌شناس، پرستار، مددیار و آشپز است. مشاهدات میدانی حاکی از وجود امکاناتی همچون حیاطی با چند درخت، حمام، بخش پذیرش، اتاق سرپرست، آشپزخانه و اتاق تزریق است. از دیگر خدمات کلیدی مرکز می‌توان به جمع‌آوری سرنگ‌های مصرف‌شده برای پیشگیری از گسترش اچ‌آی‌وی و برگزاری کلاس‌های مشاوره روانی و انگیزشی برای مصرف‌کنندگان و خانواده‌ها اشاره کرد. دو

سرپناه شبانه، یکی مردانه و دیگری زنانه، از ساعت ۱۹ تا ۷ صبح فعال هستند. مراجعه‌کنندگان، که عمدتاً در مشاغل غیررسمی مانند جمع‌آوری ضایعات فعالیت دارند، پس از دریافت متادون به فعالیت روزمره خود بازمی‌گردند. به گزارش مدیر مرکز، نرخ ترک مواد و بازگشت به زندگی و اشتغال عادی در سطح مطلوبی قرار دارد و همچنین اعتماد عمومی بالا به مرکز، میزان مراجعه و مشارکت را افزایش داده است. به گفته مسئولان، چالش‌های مرکز شامل بی‌اعتمادی برخی خانواده‌ها، مشارکت محدود در برنامه‌های پیشگیری، کمبود منابع مالی، نبود مشوق‌های کافی برای جذب بیماران، ظرفیت محدود سرپناه‌ها و کمبود امکانات رفاهی-بهداشتی است. آنان افزایش تعداد سرپناه‌ها، تجهیز بهتر آن‌ها، ارائه دوره‌های مهارت‌آموزی و اشتغال‌محور برای بهبودیافتگان، توسعه منابع مالی پایدار، گسترش مشاوره کنترل خشم و آموزش خانواده و طراحی برنامه‌های حمایتی بلندمدت را توصیه می‌کنند. ارزیابی ساکنان از عملکرد مرکز بسیار مثبت است. به گفته یکی از آنان، «از وقتی این مرکز راه افتاده، امنیت محله خیلی بهتر شده». ساکن دیگری با اشاره به یکی از مسئولان مرکز می‌گوید که او «باعث شده احساس کنیم کسی به فکر ماست». خدمات مرکز منظم و باکیفیت و مدیریت آن کارآمد ارزیابی می‌شود. در مجموع، رضایت ساکنان از مرکز کاهش آسیب در سطح بالایی قرار دارد. از این رو، این پروژه را می‌توان از نظر ارتباط مؤثر، اثربخشی و کارایی، موفق ارزیابی کرد.

پروژه‌های اقتصادی و حقوقی

پروژه رسمی‌سازی مالکیت و صدور اسناد قانونی در محله چاهستانی‌ها از سال ۱۳۹۸ آغاز شده و تا سال ۱۴۰۲ ادامه یافته است. هدف اصلی، تأمین امنیت حقوقی و مالکیتی برای ساکنان فاقد سند رسمی، رفع موانع دسترسی به خدمات و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی-اقتصادی بوده است. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که صاحبان بسیاری از خانه‌ها، پس از دریافت سند، به بازسازی نما یا انجام دیگر عملیات ساختمانی مبادرت ورزیده‌اند. به گفته یکی از ساکنان، «از وقتی سند خانه را گرفته‌ایم، خودمان شروع کرده‌ایم به نما و بازسازی... واقعاً راضی هستیم». طبق نظر مسئولان، چالش‌های اصلی شامل بی‌اعتمادی برخی ساکنان به فرایندهای دولتی، ترس از پیامدهای قانونی و نگرانی از افزایش هزینه‌های زندگی بوده است که مشارکت برخی خانوارها را محدود کرده است. هزینه‌های بالای ثبت و صدور سند نیز برای خانوارهای کم‌درآمد مانع ایجاد کرده است. در عمل، برخی خانواده‌ها به دلیل موانع قانونی موفق به دریافت سند نشده‌اند. همچنین، فرایند صدور اسناد زمان‌بر و پرهزینه بوده است و شماری از متقاضیان از تأخیر و بهانه‌جویی‌ها گلایه دارند. تأثیرگذاری پروژه از طریق بهبود ظاهر محله، افزایش ارزش املاک و کاهش تنش‌های مالکیتی، نسبتاً گسترده بوده است. در عین حال، ممکن است افزایش ارزش املاک موجب خروج برخی ساکنان از محله شده باشد؛ موضوعی که نیازمند بررسی گسترده‌تری است. در هر صورت، تداوم چنین طرح‌هایی نیازمند بازنگری در قوانین، کاهش هزینه‌ها برای اقشار کم‌درآمد و ایجاد سازوکارهای مشارکت واقعی است تا رسمی‌سازی مالکیت به توانمندسازی همگانی و کاهش نابرابری بینجامد، نه تشدید آن.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی پروژه‌های سامان‌دهی و توانمندسازی در محله چاهستانی‌های بندرعباس، تصویری چندلایه و تا اندازه‌ای دوگانه از دستاوردها و چالش‌های مداخلات بخش عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی به دست می‌دهد. از یک سو، برخی پروژه‌ها، مانند احداث معبر ۲۴ متری، راه‌اندازی فرهنگسراها، ایجاد مرکز کاهش آسیب و رسمی‌سازی مالکیت، توانسته‌اند تا حدی به نیازهای ساکنان پاسخ دهند و رضایت نسبی آنان را جلب کنند. این پروژه‌ها عمدتاً در حوزه خدمات اجتماعی-حمایتی (مرکز کاهش آسیب)، توسعه فرهنگی-آموزشی (فرهنگسراها) و زیرساخت‌های کالبدی و نیز حقوقی (معبر و صدور اسناد) موفق عمل کرده‌اند. موفقیت آن‌ها بیش از هر چیز

مرهون هم‌راستایی با نیازهای ملموس ساکنان و مشارکت نسبی آنان در مراحل طراحی یا اجرا بوده است. به‌ویژه مرکز کاهش آسیب و پروژه‌های توانمندسازی اقتصادی، با اتکا به نیروهای محلی و ایجاد اعتماد، آثار مثبتی به همراه داشته‌اند.

درعین‌حال، شکاف بزرگی میان «برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر» و آنچه در عمل به اجرا درآمده است، وجود دارد. این برنامه که با تکیه بر رویکردی جامع‌نگر، یکپارچه و مبتنی بر مشارکت واقعی ساکنان تدوین شده بود، در مرحله اجرا به‌تدریج و با کندی، به مجموعه‌ای از پروژه‌های پراکنده و فاقد هم‌افزایی تبدیل شده است. در حوزه تأمین مالی و نهادسازی، برنامه اولیه بر ایجاد سازوکارهای مالی پایدار، مانند «صندوق پشتیبان»، «بودجه‌ریزی مشارکتی» و «نهاد عمران شهری» تأکید داشته است، ولی در عمل، پروژه‌ها با تأمین اعتبار نامنظم مواجه بوده‌اند و نهادهای پیش‌بینی‌شده شکل نگرفته‌اند. نهاد «مرکز توسعه محله» و «مشاور معین سامان‌دهی و توانمندسازی»، که به‌عنوان حلقه‌های اتصال میان ساکنان و دستگاه‌های اجرایی در برنامه پیش‌بینی شده بودند، تحقق نیافته‌اند. ناکامی در ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های متعدد نیز برجسته است. نمونه آن، پروژه‌های زیست‌محیطی است که بدون همراهی شرکت آب و فاضلاب و شهرداری و با مشارکت محدود ساکنان، به سرانجام مطلوبی نرسیده‌اند. همچنین، پروژه‌های فضاهای سبز و ورزشی، بدون در نظر گرفتن الگوهای رفتاری و نیازهای واقعی ساکنان و بدون برنامه‌ریزی برای نگهداری بلندمدت، به اقدامات نمادین و کم‌اثر تبدیل شده‌اند. در حوزه توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، برنامه اولیه بر توانمندسازی اجتماعات محلی از طریق ظرفیت‌سازی نهادی و توسعه مهارت‌های جمعی تأکید داشته است. بااین‌حال، اقدامات اجراشده عمدتاً به توزیع تجهیزات شغلی و برگزاری دوره‌های آموزشی مقطعی محدود شده و از ایجاد ساختارهای توانمندساز پایدار، مانند تعاونی‌های محلی یا شبکه‌های حمایت اجتماعی، غفلت شده است. آموزش‌های شهروندی برای نگهداری از تأسیسات و فضاهای عمومی نیز در سطح پایینی باقی مانده و همین امر به تخریب سریع تجهیزات و ناپایداری دستاوردها انجامیده است. برنامه اولیه به‌صراحت بر مشارکت فعال ساکنان در تمامی مراحل، شامل طراحی، اجرا، نگهداری و پایش، تأکید داشته است. اما در عمل، مشارکت عمدتاً به اطلاع‌رسانی و جلب موافقت‌های مقطعی، مانند پروژه معبر ۲۴ متری، محدود شده و به ضرورت جلب مشارکت اصیل و توانمندساز، که در آن ساکنان نقش تصمیم‌گیرنده داشته باشند، توجه کافی نشده است. گروه‌های کم‌صدا و آسیب‌پذیر، از جمله زنان سرپرست خانوار، مستأجران و افراد دارای معلولیت، به‌ندرت در فرایندهای تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند. این مسائل نشان می‌دهد که صرف تدوین برنامه‌ای جامع و دقیق، بدون ایجاد سازوکارهای نهادی و تعهدات مالی برای اجرای آن، تضمین‌کننده موفقیت نیست؛ تحقق برنامه‌های سامان‌دهی و توانمندسازی به اراده سیاسی پایدار و پیگیری مستمر در سطوح عالی مدیریت شهری و ملی نیاز دارد.

بخش‌هایی از پروژه‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های زیست‌محیطی شامل مدیریت پسماند و سامان‌دهی خور گورسوزان و فضاهای سبز و ورزشی، با ناکامی مواجه شده‌اند. این ناکامی‌ها ریشه در همان عوامل ساختاری دارند؛ مانند فقدان تمهیدات یکپارچه و نگاه جامع‌نگر، ضعف در مشارکت‌جویی واقعی از ساکنان، کمبود منابع مالی منظم و پایدار، هماهنگی ناکافی میان نهادهای مسئول و نادیده گرفتن آموزش شهروندی و ظرفیت‌سازی اجتماعی برای نگهداری از تأسیسات. در مورد پروژه رسمی‌سازی مالکیت نیز، هرچند دستاوردهایی در زمینه امنیت حقوقی و بهبود ظاهر محله حاصل شده است، خطرات شناخته‌شده در متون بین‌المللی، مانند تصاحب توسط نخبگان، جابه‌جایی جمعیت‌های فقیر و افزایش ارزش ملک به‌نفع مالکان اصلی، در صورت نبود تمهیدات حمایتی برای اقشار آسیب‌پذیر، ممکن است به بازتولید نابرابری بینجامد. لازم است وضعیت ساکنان ۲۰۰ پلاک تخریب‌شده در جریان احداث معبر ۲۴ متری و نیز سرنوشت خانوارهایی که سند مالکیت رسمی دریافت کرده‌اند، به‌ویژه از منظر جابه‌جایی جمعیت و تغییرات ترکیب اجتماعی محله، در پژوهش‌های آتی به‌طور دقیق بررسی شود. همچنین، ارزیابی آثار بلندمدت پروژه‌های توانمندسازی اقتصادی بر معیشت پایدار

خانوارها و مطالعه تطبیقی محله‌های دیگری که از برنامه بهره کم‌تری برده‌اند، به غنای دانش در این حوزه خواهد افزود. تجربه بندرعباس نشان می‌دهد که شکاف میان برنامه و اجرا، ریشه در خلأهای ساختاری در تأمین مالی، ضعف نهادسازی و نبود اراده سیاسی پایدار برای پیگیری بلندمدت برنامه‌های جامع دارد. تدوین اسناد بالادستی مترقی و مشارکتی، هرچند گامی ضروری است، بدون ایجاد سازوکارهای نهادی، تعهدات مالی و ساختارهای نظارتی کارآمد، به اسنادی تحقق‌ناپذیر بدل خواهد شد. سرانجام، لازم است برای طرح‌هایی از این دست، ارزیابی جامعی انجام شود؛ امری که خود نیازمند تمهیدات زمان‌مند برای جمع‌آوری داده‌ها پیش و پس از اجرای اقدامات و طبعاً، تأمین بودجه کافی و همکاری نهادی مناسب است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

مقاله حاضر از حمایت مالی خاصی بهره‌مند نبوده است.

مشارکت نویسندگان

سهام نویسندگان در تهیه این مقاله برابر است. نویسنده اول هدایت کل پژوهش و نگارش نهایی بیش‌تر متن را بر عهده داشته و نویسنده دوم پژوهش میدانی را در محل به‌عنوان بخشی از پایان‌نامه خود انجام داده و گزارش آن را تهیه کرده است.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

نویسندگان از ابزار هوش مصنوعی «دیپ‌سیک» به‌منظور تهیه پیشنهادی بخش‌های انگلیسی این مقاله استفاده کرده‌اند. پس از استفاده از این ابزار، نویسندگان مطالب را در صورت نیاز بررسی و ویرایش کرده و مسئولیت کامل محتوای نشریه را بر عهده می‌گیرند.

تعارض منافع

تعارض منافی در پیوند با این مقاله وجود ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید هر دوی آنان است.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

برای تهیه این مقاله، اطلاعات کیفی گردآوری شده است که در صورت نیاز از طریق نویسندگان قابل دسترسی است.

سپاسگزاری

از همه شرکت‌کنندگان در پژوهش میدانی جهت این مقاله تشکر می‌کنیم. همچنین، مراتب قدردانی خود را از همراهی و راهنمایی مسئولان در بندرعباس اعلام می‌داریم.

منابع

- اداره کل راه و شهرسازی استان هرمزگان (۱۳۹۸). بازآفرینی شهری محله چاهستانی‌های بندرعباس. تهیه‌شده توسط مشاوران شهر کالبد.
- سازمان عمران و بهسازی شهری (۱۳۹۱الف). برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر؛ مرحله پنج: ارائه برنامه‌های عملیاتی و اجرایی (پروژه‌ها، برآورد هزینه و اعتبارات)؛ محلات: چاهستانی‌ها- نخل ناخدا- سورو- شهرک توحید. تهیه‌شده توسط مهندسین مشاور پرداراز.
- سازمان عمران و بهسازی شهری (۱۳۹۱ب). برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر؛ چکیده مطالعات مراحل ۱ تا ۵ طرح؛ محلات: چاهستانی‌ها- نخل ناخدا- سورو- شهرک توحید. تهیه‌شده توسط مهندسین مشاور پرداراز.
- سازمان عمران و بهسازی شهری (۱۳۹۲). برنامه سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر؛ خلاصه، جمع‌بندی و نتایج مطالعات تهیه‌شده توسط مهندسین مشاور طرح و معماری.
- علاءالدینی، پویا و بهمنی‌آزاد، بابک (۱۳۹۱). ارزیابی بهره‌وران از فعالیت‌های بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان: محله‌های کریم‌آباد و سیک‌سوزی و شیرآباد. تحقیقات رفاه اجتماعی، ۱(۱)، ۲۹-۴۷.
- علاءالدینی، پویا و نوروزی، شقایق (۱۳۹۸). بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران: ارزیابی تمهیدات در طرح نمونه سبزوار از منظر بهره‌بران زن. توسعه محلی (شهری-روستایی)، ۱(۱)، ۷۹-۱۱۸. DOI:10.22059/jrd.2019.74453
- علاءالدینی، پویا؛ مصطفی‌پورشاد، مهدیه؛ و جلالی‌موسوی، آزاده (۱۳۹۰). ارتقای وضعیت رفاهی اهالی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران. رفاه اجتماعی، شماره پیاپی ۴۱، ۶۹-۹۱. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-704-fa.pdf>
- هیأت وزیران (۱۳۸۲). سند توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی، سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.
- هیأت وزیران (۱۳۹۳). سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.
- هیأت وزیران (۱۴۰۲). سند ملی توانمندسازی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی [جدید]، شرکت بازآفرینی شهری ایران.
- Abbott, J. (2002). An analysis of informal settlement upgrading and critique of existing methodological approaches. *Habitat International*, 26(3), 303–315. DOI:10.1016/S0197-3975(01)00049-2
- Alaadini, P., & Bahmani-Azad, B. (2012). Beneficiary assessment of upgrading and enabling initiatives in the informal settlements of Zahedan: Karimabad, Sikhsuzi and Shirabad neighborhoods. *Social Welfare Research*, 1(1), 29–47. [in Persian]
- Alaadini, P., & Norouzi, S. (2019). Regenerating informal settlements in Iran: A female beneficiary assessment of Sabzevar pilot project. *Local Development (Rural-Urban)*, 11(1), 79–118. DOI:10.22059/jrd.2019.74453 [in Persian]
- Alaadini, P., & Javaheripour, M. (2016). Urban dynamics in Iranian port cities: Growth, informality, and decay in Bandar Abbas. In M. Kamrava (Ed.), *Gateways to the world: Port cities in the Persian Gulf* (pp. 203–230). Oxford University Press.
- Alaadini, P., Mostafapourshad, M., & Jalali Mousavi, A. (2011). Upgrading urban informal settlements in Iran: Assessment of main national-level initiatives and Bandar Abbas experience. *Social Welfare Quarterly*, Issue No. 41, 69–91. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-704-fa.pdf> [in Persian]
- Council of Ministers (2003/2004). *Strategies for enabling and regularizing informal settlements*. Urban Development and Revitalization Organization of Iran. [in Persian]
- Council of Ministers (2014/2015). *National strategy document on revitalizing, upgrading, renovating and enabling deteriorated and underutilized urban fabrics*. Urban Development and Revitalization Organization of Iran. [in Persian]

- Council of Ministers (2023/2024). *National strategies for enabling and regularizing informal settlements [New edition]*. Iran Urban Regeneration Corporation. [in Persian]
- Davis, M. (2017). *Planet of Slums*. Verso.
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso.
- Hormozgan Province Roads and Urban Development Directorate (2019/2020). *Urban regeneration of the Chahastaniha neighborhood of Bandar Abbas*. Prepared by Shahr Kalbod Consultants. [in Persian]
- OECD. (2019). *Better criteria for better evaluation: Revisiting the OECD Development Assistance Committee's evaluation criteria*. OECD Publishing.
- Roy, A. (2005). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147–158. DOI:10.1080/01944360508976689
- UN-Habitat. (2003). *The challenge of slums: Global report on human settlements*. Earthscan.
- UN-Habitat. (2025). *Expert group and intersessional thematic meeting on: Definition of informal settlements, ANNEX*. https://unhabitat.org/sites/default/files/2025/08/definitions_-_informal_settlements_-_annex_14.08.2025.pdf
- Urban Development and Revitalization Organization of Iran (2012/2013a). *Program for regularizing informal settlements and enabling their communities with an emphasis on city-wide urban revitalization of Bandar Abbas; Phase Five: Presentation of Operational and Executive Plans (Projects, Cost Estimation, and Budgets); Neighborhoods: Chahastaniha – Nakhle Nakhoda – Suro – Tohid Town*. Prepared by Pardaraz Consulting Engineers. [in Persian]
- Urban Development and Revitalization Organization of Iran (2012/2013b). *Program for regularizing informal settlements and enabling their communities with an emphasis on city-wide urban revitalization of Bandar Abbas; Abstract of Studies for Phases 1 to 5 of the Plan; Neighborhoods: Chahastaniha – Nakhle Nakhoda – Suro – Tohid Town*. Prepared by Pardaraz Consulting Engineers. [in Persian]
- Urban Development and Revitalization Organization of Iran (2013/2014). *Program for regularizing informal settlements and enabling their communities with an emphasis on city-wide urban revitalization of Bandar Abbas; Summary, Conclusion, and Results of Studies*. Prepared by Tarh va Memari Consulting Engineers. [in Persian]
- World Bank. (2004). *Project appraisal document: Urban upgrading and housing reform project*. World Bank.
- World Bank. (2010). *Implementation completion report (IBRD-47390): Iran urban upgrading and housing reform project* (Report No. ICR00001412). World Bank..